

روسیه

و بازار جهانی نفت

معاونت سیاست خارجی و روابط بین الملل

مقدمه

بازار جهانی نفت در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ و تحت تأثیر عوامل مختلف، شرایط باثباتی را تجربه نکرده است و به عقیده بسیاری از کارشناسان نفتی و محافل سیاستگذاری و مطالعات انرژی جهانی، چشم انداز روشنی برای آن در کوتاه مدت نمی توان تصور کرد. در ایجاد چنین شرایطی عوامل متعددی تأثیرگذار می باشد، اما متغیری که به طور خاص آینده بازار نفت را تحت الشعاع قرار می دهد، سیاستها و برنامه های نفتی روسیه است. این سیاستها و برنامه ها بدون تردید برخلاف منافع اوپک و در جهت ارتقای جایگاه روسیه در بازار جهانی نفت تحلیل می شود و تا آنجا پیش می رود که حتی آینده ای مبهم و منفعل برای اوپک در بازار جهانی نفت پیش بینی می گردد. این مقاله با فرض نقش موثر روسیه در بازار جهانی آینده نفت در صدد پاسخگویی به این سوالات است که روسیه در حال حاضر چه جایگاهی در بازار انرژی دارد؟ دیدگاه رهبران روسیه به بازار جهانی نفت چیست؟ اختلافات روسیه و اوپک از چه عوامل و متغیرهایی ریشه می گیرد؟ روسیه چگونه بر بازار تأثیر می گذارد و این تأثیرگذاری ناشی از چه عواملی است؟

جایگاه کنونی روسیه در بازار جهانی

نفت

روسیه در حال حاضر سومین تولیدکننده و

جهت ارتقای جایگاه روسیه در بازار جهانی نفت تحلیل می شود و تا آنجا پیش می رود که

دومین صادرکننده بزرگ نفت در جهان به شمار می‌آید. ذخایر نفتی این کشور در حدود ۴۹ تا ۵۵ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که در حدود ۵٪ کل ذخایر جهانی است و به این ترتیب روسیه در مقام هفتم جهان به لحاظ ذخایر نفتی قرار دارد. تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تولید نفت این کشور در حدود ۷/۸۶ میلیون بشکه در روز بود که ۴/۴۲ میلیون بشکه در داخل مصرف و بقیه صادر می‌شد. در فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ تولید نفت خام این کشور ۲۳٪ کاهش یافت، به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۶ به پایین‌ترین سطح خود یعنی ۴/۰۴ میلیون بشکه رسید و مصرف داخلی نیز در سال ۱۹۹۹ به شدت کاهش یافت (۲/۳۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰). در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ تولید نفت روسیه در نوسان بود. از سال ۱۹۹۹ میزان تولید نفت این کشور سیر صعودی گرفت به گونه‌ای که در فاصله سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ تولید نفت خام این کشور ۲۰٪ افزایش یافت و به ۷/۴۳ میلیون بشکه در روز رسید. کارشناسان نفتی روسیه پیش‌بینی کرده‌اند تولید نفت این کشور تا پایان سال ۲۰۰۲ با ۶/۱٪ رشد از مرز ۸ میلیون بشکه در روز فراتر رود و مقام دوم را در بین کشورهای تولیدکننده نفت به دست آورد. ضمن اینکه تولید روسیه در فوریه ۲۰۰۲، برای اولین بار از عربستان فراتر رفت.

قسمت اعظم نفت تولیدی روسیه به بازارهای جهانی صادر می‌شود. تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بیش از نیمی صادرات نفت روسیه به جمهوریهای شوروی سابق و کشورهای بلوک شرق اختصاص داشت و بنابراین نمی‌توان تا این زمان با وجود تولید بالا، نقشی تعیین‌کننده برای شوروی در بازار جهانی نفت متصور بود. از سال ۱۹۹۱ با وجود کاهش صادرات روسیه به دنبال کاهش تولید، صادرات این کشور به بازارهای خارج از شوروی سابق رو به افزایش گذاشت به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۲ حدود ۸۷٪ کل صادرات روسیه را در برمی‌گرفت. در سال ۲۰۰۱ روسیه روزانه نزدیک به ۴/۴۹ میلیون بشکه صادر نمود و کارشناسان نفتی بنابر سیاستهای اعلامی و برنامه‌های در حال اجرای روسیه چنین پیش‌بینی می‌کنند که این میزان تا اواخر سال ۲۰۰۲ به ۵/۰۱ میلیون بشکه در روز برسد. وارد کنندگان عمده نفت روسیه عمدتاً کشورهای اروپای غربی به ویژه انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان و اسپانیا می‌باشند و روسها برنامه‌های بلندمدتی برای پاسخگویی به نیازهای رو به افزایش این کشور دارند. علاوه بر نفت، روسیه با داشتن بیشترین ذخایرگازی جهان، در صدر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز در جهان به شمار می‌رود که این مهم بدون تردید در نقش و جایگاه بالای روسیه در بازار انرژی جهان موثر

می باشد.

نفت، اثرات مفیدتری بر اقتصاد روسیه داشته باشد.

سیاست و برنامه اصلی روسیه در عرصه انرژی به ویژه نفت و گاز، افزایش تولید و صادرات نفت خام، گاز و فرآورده های ناشی از آن است. در این راستا روسها چند هدف عمده را دنبال می کنند:

- جلب و جذب بازارهای جدید: یکی از اهداف مهم روسها بالا بردن تولید و صادرات نفت این کشور، جذب بازارهای جدید در حال ظهور اما محدود و تثبیت آن در بلند مدت می باشد. روسیه در سالهای اخیر از توسعه صنایع نفت آذربایجان و قزاقستان و طرحهای سرمایه گذاری در این دو کشور احساس خطر کرده است زیرا توسعه و به نتیجه رسیدن این طرحها به معنای از دست رفتن بخشی از بازارهای بالقوه نفت روسیه در اروپا و آمریکا می باشد. علاوه بر این، مقامات روسیه نگران این مسئله می باشند که صنایع این کشورها بسیاری از سرمایه ها را به خود جذب کرده و در نتیجه روسیه اهمیت استراتژیک خود را برای غرب از دست بدهد.

- افزایش تواناییها و قدرت مسئله در قبال قدرتهای منطقه ای و جهانی در حال ظهور: مقامات روسیه، نسبت به قدرت یافتن

برنامه های روسیه برای ارتقای جایگاه خود در بازار جهانی نفت

آمارهای منتشره حکایت از نقش روبه افزایش روسیه در بازار جهانی نفت دارد. نقشی که بدون تردید در پرتو تغییرات اخیر در صنعت نفت روسیه پدید آمده و بازار جهانی نفت را تحت الشعاع خود قرار داده و می دهد. این تغییرات که با استقبال خوب کشورهای غرب مواجه گردیده مبتنی بر دیدگاه کلان و بلندمدت رهبران روسیه با اولویت منافع ملی این کشور می باشد. دیدگاهی که چندان با منافع کشورهای عضو اوپک سازگار نیست.

پوتین و دیگر رهبران روسیه، سیاستها و برنامه های نفتی خود را با اهداف جهانی و منطقه ای تدوین و طراحی می کنند. این اهداف عمدتاً در بعد جهانی، جلب نظر غرب و آمریکا در بازار جهانی نفت و در مقابل گرفتن امتیازات اقتصادی مناسب برای توسعه رشد اقتصادی روسیه و در بعد منطقه ای تأثیرگذاری بر صنعت نفت کشورهای حاشیه دریای خزر و جذب انحصاری بازار شرق اروپا و بالکان را دنبال می کنند. این سیاستها و برنامه ها لزوماً به مانند کشورهای عضو اوپک، کارکرد مثبت در یک اقتصاد تک محصولی ندارد و چه بسا محدوده خاص از ۱۶ تا ۲۲ دلار برای هر بشکه قیمت

کشورهایی چون چین و نداشتن قدرت عمل در قبال آنها نگران می‌باشند. بنابراین، آنها تلاش دارند از راههای مختلف از جمله وابسته کردن این کشورها به انرژی نفت و گاز روسیه، تقویت ساختارهای صنعتی داخلی به ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و افزایش کارکرد روسیه در اقتصاد جهانی از طریق تأمین انرژی مورد نیاز دنیای سرمایه داری، قدرت چانه‌زنی خود را بالا ببرند.

مقامات روسیه در جهت تحقق اهداف فوق، برنامه‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. این برنامه‌ها عبارت‌اند از:

- متنوع ساختن راههای صدور نفت خام به

بازارهای جهانی: در حال حاضر نفت خام روسیه از طریق بنادر این کشور در دریای بالتیک، دریای سیاه و همچنین خط لوله دوستی (۷۲ میلیون بشکه در روز به اروپا) صادر می‌شود. صادرات نفت از طریق دریای سیاه به دلیل وجود تنگه‌های بسفروداردائل چندان برای روسیه مطلوب نیست، بنابراین این کشور در صدد آماده‌سازی سیستم خط لوله بالتیک می‌باشد تا مستقیماً نفت از بندر پرایمورسک صادر شود. علاوه بر این، برخی از شرکتهای روسی در صدد ایجاد خطوط لوله انحصاری هستند. به طور مثال، شرکت یوکوس (Yukos) مذاکراتی را با مقامات چینی برای ایجاد خط لوله‌ای به چین آغاز کرده و چندین مناقصه برای انتقال نفت جزایر ساخالین به چین و ژاپن و دیگر بازارها را آماده ساخته است.

جدای از این، روسها تلاش گسترده‌ای را

- فراهم کردن زیر ساختهای افزایش تولید

نفت: روسیه با هدف افزایش تولید نفت، سیاست راهبردی خصوصی کردن صنعت نفت و جذب سرمایه‌گذارهای خارجی بیشتر در صنعت نفت را در پیش گرفته است. این دو سیاست هرچند در فاصله کمی پس از فروپاشی اتحاد شوروی آغاز گردید اما به دلایل مختلف از رشدی کند برخوردار بوده است. با روی کار آمدن پوتین و تحت تأثیر سیاست غرب‌گرایانه آن، این سیاستها با سرعت بیشتری پیگیری شده‌اند به گونه‌ای که یکی از عوامل افزایش تولید نفت روسیه در دو سال اخیر این مهم بوده است.

- انعقاد قراردادهای تجاری نفت: رهبران

روسیه با هدف جذب و جلب بازارهای انرژی

نیز برای فراهم کردن زمینه‌های عبور لوله‌های انتقال نفت کشورهای حاشیه دریای خزر از طریق خاک روسیه به بازارهای جهانی آغاز کرده‌اند که در این میان احداث خط لوله تنگیز-نوروسیسک در دست اقدام است.

گرایش به ارتقای جایگاه جهانی این کشور در بازار نفت و خنثی کردن سیاستها و اقدامات اوپک در این بازار دارد. مقامات روسیه تلاش دارند با برتری یافتن بر عربستان سعودی در بلند مدت، جایگزین این کشور در برنامه‌های انرژی غرب شوند.

- توسعه پالایشگاه‌ها: روسیه در حدود ۳۷ پالایشگاه دارد که برخی از آنها تعطیل و برخی در حال نوسازی می‌باشند که در صورت آماده شدن با ۶/۶ میلیون بشکه در روز تغذیه می‌شود. در سال ۲۰۰۱، مصرف داخلی روسیه ۲/۳۸ میلیون بشکه در روز بود که از تقاضای پالایشگاه‌های این کشور فزونی داشت. در واقع، به علت اینکه قیمت یک بشکه نفت در داخل ۵۰٪ قیمت صادراتی است شرکت‌های نفتی روسیه تمایلی به فروش نفت تولیدی در داخل ندارند. اما در آینده نزدیک این شرکتها تحت تأثیر توسعه شبکه خطوط لوله انتقال نفت و خارج بودن این سیستم از اختیار آنها و همچنین محدودیتهای بیشتر دولتی، مجبور به فروش مقادیر بیشتری از نفت تولیدی به پالایشگاه‌های داخلی هستند. این مهم باعث تقویت و توسعه پالایشگاه‌ها و در نتیجه افزایش تولید فرآورده‌های نفتی داخلی و صادرات آن با قیمت بالاتر در بازارهای جهانی می‌شود.

بیش رهبران روسیه مبتنی بر تشکیل یک نهاد دولتی جدید با حضور مدیران شرکت‌های نفتی برای هماهنگی برنامه‌های دولتی و شرکت‌های نفتی است. به نظر می‌رسد شرکت‌های بزرگ نفتی روسیه برنامه‌هایی را برای تولید دو برابر نفت با قیمتی در حدود ۱۶ تا ۲۲ دلار برای هر بشکه در نظر دارند که این مهم برای دولت روسیه نیز مطلوب می‌باشد.

مجموع سیاستها و برنامه‌های روسیه نشان از اختلافات بسیار میان برنامه‌ها و اهداف این کشور در صنعت نفت و بازار انرژی با کشورهای عضو اوپک دارد. ناظران بین‌المللی نفت اعتقاد دارند که روسیه و اوپک نمی‌توانند اهداف بلندمدت مشترکی در بازار نفت داشته باشند و بنابراین همکاری آنها در صورت وقوع، موقت خواهد بود. تجربه گذشته نیز این مسئله را ثابت کرده است. در جریان کاهش تولید نفت کشورهای عضو اوپک در پاییز گذشته، این سازمان به سختی توانست رضایت روسیه را برای کاهش صادرات نفت خود در سه ماهه اول و دوم سال ۲۰۰۲ جلب کند زیرا این کاهش صادرات سود بالقوه‌ای برای روسها نداشت و

روسیه و اوپک: تضاد یا همکاری

بدون تردید سیاستها و برنامه‌های نفتی روسیه،

آنها با اکراه زیادی با کاهش صادرات ۱۵۰ هزار بشکه در روز موافقت کردند، ضمن اینکه این کاهش صادرات در ظاهر همکاری با اوپک تلقی شد در حالی که مقامات روسیه با توجه به آغاز فصل زمستان و افزایش مصرف داخلی این کشور ناچار بودند صادرات خود را کاهش داده و در عوض مصرف داخلی را تأمین نمایند. سیاست کاهش صادرات روسیه هر چند پس از موعد مقرر بار دیگر تمدید شد اما روسها با این تمدید قصد گرفتن امتیازات اقتصادی و مالی بیشتر از آمریکا و غرب را داشتند تا اینکه به منافع اوپک در بازار نفت فکر کنند. پس از اتمام موعد سه ماهه دوم، وزارت انرژی روسیه، محدودیت ۱۵۰ هزار بشکه ای این کشور را لغو کرد و شرکتها را به سرمایه گذاری بیشتر برای تولید و صادرات بیشتر تشویق نمود. این در حالی است که وزرای نفت اوپک در اجلاس اخیر خود همچنان بر سهمیه های قبلی اعضای برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت تأکید کردند.

با این تفاسیر، نمی توان منافع مشترکی بین اوپک و روسیه در میان مدت و بلند مدت در بازار جهانی نفت متصور شد. هر چند در کوتاه مدت ممکن است روسیه و اوپک با اهداف و منافع مختلف با یکدیگر توافق کنند. این مهم ناشی از اختلاف ماهوی ساختار صنعت نفت در کشورهای عضو اوپک و روسیه و جایگاه آن در اقتصاد کلان این کشورها است.

- جایگاه صنعت نفت در اقتصاد ملی: انرژی

۴۰٪ صادرات روسیه و ۱۳٪ تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می دهد. در سال ۲۰۰۰ اقتصاد روسیه ۸۳٪ رشد یافت که این میزان در سال ۲۰۰۱ به ۵۱٪ درصد کاهش یافت. نرخ تورم نیز از ۲۰/۲٪ در سال ۲۰۰۰ به ۱۷/۵٪ در سال ۲۰۰۱ رسید و روبل در سال ۲۰۰۱ همچنان به تقویت خود پس از بحران مالی ۱۹۹۸، ادامه داد. با وجود اینکه افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۰ - ۲۰۰۱ باعث رونق برخی از بخشهای اقتصادی روسیه شد و دولت موفق به بازپرداخت بخشی از قروض ۱۵۴ میلیاردی خود شد، اما از دید کارشناسان نفتی روسیه، افزایش قیمت نفت به همراه افزایش تولید در جهت منافع روسیه و شرکتهای نفتی آن نیست. به عبارت دیگر، کاهش تولید برای افزایش قیمت نفت نمی تواند منافع شرکتهای نفتی را تضمین کند. البته اخیراً دیدگاهی از سوی برخی رهبران روسیه مطرح گردید که چندان واقع بینانه به نظر نمی رسد و بیشتر ماهیت توجیهی برای عدم همکاری این کشور با اوپک دارد. رهبران روسیه به ویژه شخص پوتین اعلام کرده اند که افزایش درآمدهای نفتی، باعث افزایش نقدینگی در کشور می گردد و این مهم خود زمینه ساز افزایش واردات به کشور می شود که با برنامه های کلان اقتصادی این کشور در جهت توسعه صادرات تناقض دارد. از آنجا که درآمدها نفتی

عمدتاً به شرکتهای نفتی تعلق دارد و دولت کنترل چندانی بر چگونگی هزینه شدن این درآمدها ندارد، دولت روسیه از تزریق این درآمدها به سطح جامعه و افزایش مصرف کالاهای خارجی نگران است.

غیرواقع بینانه بودن این مواضع از آنجائیکه می شود که اقتصاد روسیه در شرایطی است که تزریق دلار به آن حیاتی به نظر می رسد. با این حال، می توان چنین استدلال کرد که بالا رفتن قیمت نفت خام از میزان متعارف، منافع شرکتهای روسی را تهدید می کند که این مسئله البته محدود به روسیه و شرکتهای نفتی آن نیست.

نکته قابل توجه در ساختار انرژی روسیه، اهمیت و اولویت برنامه های توسعه صنعت گاز این کشور است. روسها با توجه به روند رو به افزایش مصرف گاز در جهان و ذخایر بالای گاز این کشور، توسعه صنعت گاز و فراهم کردن زمینه های صدور آن به بازارهای مصرف را در اولویت قرار داده اند. این سیاست روسها عمدتاً با دید بلندمدت و با هدف وابسته ساختن مناطقی چون اروپا و شرق آسیا به گاز روسیه و گرفتن امتیازات اقتصادی از آنان می باشد.

تمامی کشورهای عضو اوپک، ساختاری اقتصادی متکی به درآمدهای نفتی دارند و صادرات نفت و درآمدهای ناشی از آن، بخش عمده ای از درآمد ناخالص داخلی آنها را تشکیل می دهد که این مهم برای کشورهای حاشیه

خلیج فارس بالای ۸۰٪ می باشد. این امر مانع از توسعه صنایع مرتبط با نفت در این کشورها می شود و اقتصاد تک محصولی را برای آنها به ارمغان آورده است. بنابراین نوسان قیمت نفت تأثیر بسیاری بر ساختار اقتصادی این کشورها و برنامه های آنها دارد.

در چنین شرایطی حساسیت روسیه و اوپک نسبت به نوسان قیمت نفت بسیار متفاوت است. بدون تردید تأثیر کاهش قیمت نفت بر اقتصاد روسیه بسیار کمتر از کشورهای عضو اوپک است. هر چند در نگاه اول بالا رفتن قیمت نفت، باعث رونق اقتصادی این کشور می شود. بنابراین منافع کشورهای عضو اوپک و به همان میزان واکنش آنها در مقایسه با روسیه نسبت به قیمت نفت در بازارهای جهانی و نوسان آن تفاوت دارد. روسیه قیمتی ما بین ۱۶ تا ۲۲ دلار برای هر بشکه را، قیمتی متعادل و مفید به حال اقتصاد این کشور می داند اما کشورهای عضو اوپک این قیمت را ما بین ۲۲ تا ۲۸ دلار در نظر گرفته اند.

- ساختار صنعت نفت: نظام مدیریت صنعت نفت این کشور تفاوت اساسی با کشورهای عضو اوپک دارد. برخلاف اکثر کشورهای تولیدکننده نفت، صنعت نفت روسیه از اواسط دهه ۱۹۹۰ به این طرف عمدتاً خصوصی شده است. در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، شرکتهای نفتی

تحت کنترل دولت به صورت شرکتهای سهام - مشترک سازماندهی شدند تا زمینه‌های خصوصی سازی فراهم شود. از سال ۱۹۹۵، دولت سهم این شرکتها را به سرمایه‌گذاران خصوصی فروخت. در نخستین هفته آوریل ۲۰۰۲، شواهد بیشتری مبنی بر ادامه این روند ارائه شد چرا که دولت روسیه طرحهایی را برای فروش بخشهایی از لوک اویل ارائه کرد. به جز اثرات بحران مالی ۱۹۹۸، این تلاشها منجر به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در بهره‌وری صنعت نفت روسیه گردید و می‌توان انتظار داشت که همچنان آثار مثبتی نیز از خود بر جای نهد. علی‌رغم این تلاشها، هنوز سطح تولید نفت روسیه، با وجود دو برابر بودن ذخایر نفتی این کشور، ۷۵٪ تولید آمریکا می‌باشد.

خصوصی شدن صنعت نفت روسیه، به طور طبیعی نقش شرکتهای نفتی را در میزان تولید و صادرات نفت روسیه افزایش می‌دهد و دولت عامل مطلق و یکجانبه در سیاستگذاریهای نفتی روسیه نیست. بدون تردید حیات و سود شرکتهای نفتی روسیه منوط به تولید و صادرات بیشتر است. پایین بودن قیمت نفت خام و فرآورده‌های آن در روسیه نسبت به نفت صادراتی (۵۰٪) عامل مهمی در گرایش این شرکتها به صادرات بیشتر است. در چنین شرایطی دولت باید همواره در ترسیم و تدوین سیاستهای کلی نفت، نظر و منافع این شرکتها را نیز در نظر گیرد. بنابراین کاهش صادرات نفت

روسیه در هماهنگی با کشورهای عضو اوپک و تمديد آن چندان با رضایت شرکت های نفتی همراه نیست. ضمن اینکه چنانکه قبلاً بیان شد این کاهش صادرات عمدتاً به دلیل افزایش مصرف داخلی در فصل زمستان بود. نکته قابل توجه در برنامه‌های شرکتهای نفتی روسیه این است که این شرکتها با هدف قرار گرفتن در رده شرکتهای بزرگ جهانی، الزاماً باید فعالیتهای خود را گسترش دهند. از آنجا که تاکنون زمینه مناسبی برای فعالیتهای برون مرزی این شرکتها فراهم نشده و در عین حال صنعت نفت روسیه انحصاراً در اختیار این شرکتها است، بنابراین، آنها بهره‌برداري هر چه بیشتر از منابع ملی را برای رشد خود ضروری می‌بینند و وجود هر عاملی که بر فعالیتهای تولید و صادراتی آنها ایجاد محدودیت کند از جمله کاهش تولید را نمی‌پذیرند.

در مقابل ساختار صنعت نفت کشورهای عضو اوپک، کاملاً دولتی است و حتی در طرحهای مشترک، دولت دست برتر را دارد و شرکتهای خصوصی صرفاً نقش کارفرما دارند و این دولت است که انحصار کامل سیاستگذاری در تولید و صادرات نفت را در اختیار دارد. رهبران این کشورها نیز به دلیل اهمیت درآمدهای نفتی در حفظ و تداوم قدرت هیچ‌گونه علاقه و تمایلی برای در پیش گرفتن برنامه خصوصی سازی صنعت نفت ندارند.

علاوه بر مسائل و مطالب بیان شده، روسیه

اصولاً علاقه و تمایلی برای نزدیکی به اوپک و هماهنگی با سیاستهای آن ندارد. روسها تلاش دارند با هدف تأثیرگذاری بیشتر بر بازار نفت و انرژی و خنثی کردن سیاستها و برنامه‌های اوپک، که مطلوب غرب است، موضع و جایگاه خود را با همراه کردن کشورهای نفت خیز حوزه دریای خزر (به جز ایران) یعنی قزاقستان و آذربایجان تقویت کنند. این مهم عموماً با نفوذ در طرحهای نفت و گاز کشورهای مزبور و وابسته کردن صنعت نفت آنها به روسیه در حال اجرا است. علاوه بر این روسها تلاش دارند طرحهای انرژی در منطقه را که روسیه دست بالایی در آنها ندارد، از محتوا و خاصیت بیندازند. خروج شرکت نفتی لوک اویل از کنسرسيوم طرح خط لوله باکو - جیحان در این راستا قابل ارزیابی و تحلیل است.

فرجام

۱- سیاستهای نفتی روسیه به عنوان بزرگ‌ترین کشور صادرکننده نفت غیر اوپک، عمدتاً به سمتی گرایش دارد که نقش و جایگاه این کشور در صنعت و بازار جهانی نفت را ارتقا می‌بخشد. تولیدکنندگان روس با اعلام عدم رضایت نسبت به فشارهای اوپک برای محدود ساختن تولید، در تلاش برای افزایش سهم تولید خود در بازار جهانی هستند و اهداف واقع‌گرایانه خود را به عنوان بازیگران عمده بازار جهانی نفت در آینده دنبال می‌کنند.

آزادسازی اقتصادی در روسیه و دیگر کشورهای نفتی غیر اوپک، نرخ بالای تولید نفت و... شکست انحصار اوپک را به دنبال داشته است. ۲- برنامه‌ها و سیاستهای نفتی روسیه در بازار جهانی نفت عمدتاً در راستای اهداف سیاسی - اقتصادی مسکو تدوین شده‌اند. روسیه تلاش دارد با هدف ارتقای جایگاه سیاسی و اقتصادی خود در جهان با اعطای امتیازاتی در بخش نفت و انرژی به غرب و کشورهای صنعتی امتیازاتی در جهت رشد اقتصادی این کشور بگیرد. البته این نقش سیاسی به دلیل عدم کنترل کامل دولت بر ساختار نفت روسیه و تأثیرگذاری شرکت‌های نفتی این کشور محدود است.

۳- بنابراین به نظر می‌رسد مقامات روسیه توسعه بخش انرژی این کشور را جدای از کمک به رونق اقتصاد ملی، با هدف کلان‌تری دنبال کنند و آن وابسته ساختن بازارهای مصرف عمده جهان بعضی اروپا، آسیای شرقی و حتی آمریکا به منابع انرژی این کشور است. این مسئله در شرایط کنونی با توجه به ناخرسندی مصرف‌کنندگان عمده از سیاستهای اوپک از طریق انعقاد قراردادهای بلند مدت و اجرای طرحهای بزرگ انتقال نفت و گاز در حال پیگیری است.

۴- سیاستها و برنامه‌های نفتی روسیه عمدتاً از سوی کشورهای دیگر تولیدکننده نفت غیر اوپک به ویژه قزاقستان، آذربایجان و نروژ در حال پیگیری است و به نظر می‌رسد اتحادی

منجر می شود و در نتیجه رقابت برای کسب سهم بیشتر در بازار شدیدتر می شود. این روند افزایش ادغامها و تملکها در بخش صنایع نفت را به همراه دارد.

۸- جدای از مسائل و پیامدهای صرف اقتصادی و انرژی، موقعیت برتر روسیه در بازار نفت برای بازار مدیترانه اروپا و آمریکا مطلوب خواهد بود. در اکتبر ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا از توسعه صنایع نفت و گاز روسیه و طرحهای انتقال این منابع به اروپا حمایت کرد. غرب از روسیه انتظار دارد تولید و صادرات منابع انرژی خود را به دو برابر برساند. این مهم برای اقتصاد در حال گذار روسیه اثرات مثبتی به لحاظ تأمین منابع مالی لازم و جذب حمایت های سیاسی و روانی به دنبال خواهد داشت. همچنین در سفر اخیر جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا به مسکو، مقامات روسیه نسبت به ایفای نقش فعال در بازار انرژی جهت فراهم شدن شرایط مطلوب برای اروپا و آمریکا قول مساعد دادند. عضویت رسمی روسیه در گروه ۸ کشور صنعتی نیز این تعهد را برای مقامات مسکو ایجاد می کند که با هدف هماهنگی بیشتر با اعضای گروه، نقش مثبت تری در جهت منافع کشورهای صنعتی در بازار جهانی نفت ایفا کند. این نقش به طور ملموس در جریان بحرانهای احتمالی آینده بازار نفت خود را نشان خواهد داد.

ناخواسته و بیان نشده بین این کشورها و روسیه در جهت سیاست بازار آزاد در عرصه تجارت جهانی نفت در حال به وجود آمدن است.

۵- اوپک و روسیه به لحاظ جایگاه نفت در اقتصاد ملی و نظام مدیریت صنعت نفت دارای اختلافات ماهوی هستند. بنابراین سیاستهایی که از دید کشورهای عضو اوپک مفید و مثبت است الزاماً دارای همان اثر برای روسیه نمی باشد. به این دلیل نمی توان بین اوپک و روسیه اتحادی استراتژیک در عرصه نفت در آینده متصور شد.

۶- اوپک نمی تواند در آینده چندان به تعهدات و نقش روسیه در بازار جهانی نفت امیدوار باشد. نتیجه این وضعیت کاهش کنترل اوپک بر بازار نفت است زیرا اوپک فاقد توانایی لازم برای متقاعد ساختن تولیدکنندگان غیر اوپک به کاهش تولید می باشد. علاوه بر این، سیاستهای مستقل نفتی روسیه، ممکن است وحدت نسبی موجود در بین کشورهای عضو اوپک را به خطر اندازد. این وضعیت به ویژه در مورد عربستان که موقعیت گذشته خود را در نظر غرب از دست رفته می بیند محتمل تر به نظر می رسد. عربستان سعودی ممکن است برای اعاده وضعیت گذشته، با اوپک هماهنگی لازم را نداشته باشد.

۷- عدم همکاری روسیه با سیاستهای اوپک افزایش تولید نفت در بازارهای جهانی را به همراه خواهد داشت. این امر به کاهش قیمتها